



Woman in Culture and Arts

Arab Feminism in the Orbit of Tradition and Modernity With a Reflection on the Views of Aisha Taymur and May Ziadeh

Ali Salimi¹✉  | Ali Parvaneh²  | Hadis Darabi³ 

1. Corresponding Author, Professor of Arabic Language and Literature Department, Faculty of Literature, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: a.salimi@razi.ac.ir
2. PhD in Arabic Language and Literature, Faculty of Literature, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: parvaneh.ali2@gmail.com
3. PhD in Arabic Language and Literature, Faculty of Literature, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: hadisdarabi67@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 21 September 2024

Received in revised form: 6

February 2025

Accepted: 23 November 2025

Published online: 31 December 2025

Keywords:

Arab Society,

Aisha Taymur

Feminism

May Ziadeh

Moderation.

ABSTRACT

The women's movement in the Arab world was initially initiated by men; however, leadership ultimately transitioned to women. "Aisha Taymur," a traditionalist Egyptian poet, and "May Ziadah," a modernist Syrian writer advocated for this liberation from two distinct perspectives. The present study employs a descriptive and analytical methodology to investigate this movement within the Arab world, reflecting on the perspectives of these two authors. It endeavors to address the question of the fluctuations experienced by this movement. The findings of the study indicate that within the Arab world, two intellectual currents have engaged with the challenges surrounding this issue. One perspective is characterized by extreme traditionalism, opposing any involvement of women in society. In contrast, another viewpoint advocates for women's advancement solely through unconditional liberation from historical traditions and emulation of Western ideals. Meanwhile, a more moderate approach has been articulated by "Aisha Taymur" and "May Ziyadah," who propose that the ideal resolution for this movement lies in a harmonious integration of tradition and modernity, while simultaneously honoring the various dimensions of social life. Despite their distinct intellectual origins—one grounded in Islamic tradition and the other a Christian influenced by Western thought and oriented towards modernity—both shared a conviction that transforming the perception and treatment of women was deemed a historical imperative. Therefore, whenever the discourse surrounding the infringed rights of women arose, the two would articulate their perspectives in unison.

Cite this article: Salimi, A., Parvaneh, A., & Darabi, H. (2025). Arab Feminism in the Orbit of Tradition and Modernity With a Reflection on the Views of Aisha Taymur and May Ziadeh. *Woman in Culture and Art*, 17(4), 481-497.
DOI: <http://doi.org/10.22059/JWICA.2025.381102.2068>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22059/JWICA.2025.381102.2068>

Publisher: The University of Tehran Press.



انتشارات دانشگاه تهران

زن در فرهنگ و هنر

فمینیسم عربی در مدار سنت و مدرنیته با تأملی در دیدگاه‌های عایشه تیمور و می زیاده

علی سلیمی^۱ | علی پروانه^۲ | حدیث دارابی^۳۱. نویسنده مسئول، استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: a.salimi@razi.ac.ir۲. دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: parvaneh.ali2@gmail.com۳. دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: hadisdarabi67@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	جنبش زنان در جهان عرب ابتدا توسط مردان شروع شد، اما سرانجام زنان رهبری آن را به دست گرفتند. «عایشه تیمور» شاعر سنت‌گرای مصری و «می زیاده» نویسنده نوگرای سوری از دو موضع متفاوت، ندای این آزادی‌خواهی را سر دادند. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی این جنبش در دنیای عرب با تأملی در اندیشه این دو نویسنده می‌پردازد و به این پرسش پاسخ می‌گوید که این جنبش چه فرازوفرودهایی پیموده است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد در جهان عرب، دو جریان فکری این موضوع را به چالش کشیده‌اند. یکی سنت‌گرای افراطی و مخالف با هرگونه حضور زنان در جامعه و دیگری جریانی که پیشرفت زنان را فقط در آزادی بی‌قیدوشرط از سنت‌های پیشین و تقلید از غرب می‌دانست. در این میان، یک رویکرد اعتدالی توسط عایشه تیمور و می زیاده به وجود آمد که نقطه بهینه این جنبش را در ترکیبی متعادل از سنت و مدرنیسم، با رعایت شئون زندگی اجتماعی می‌دانست. هرچند خاستگاه فکری این دو به کلی متفاوت بود، یکی در سنت اسلامی ریشه داشت و دیگری یک مسیحی متأثر از غرب و متمایل به مدرنیته بود، اما به باور آن‌ها، ایجاد دگرگونی در نگاه به زن و رفتار با او، یک ضرورت تاریخی شمرده می‌شد؛ بنابراین، هرگاه بحث از حقوق تضییع‌شده زنان به میان می‌آمد، این دو با هم یک‌صدا می‌شدند و این امر، نقشی بسیار مؤثر در پیشرفت این جنبش در جهان عرب بر جای گذاشت.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۳۱	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۱۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۲	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰	
کلیدواژه‌ها:	
اعتدال، جامعه عربی، عایشه تیمور، فمینیسم، می زیاده.	

استناد: سلیمی، علی، پروانه، علی، و دارابی، حدیث (۱۴۰۴). فمینیسم عربی در مدار سنت و مدرنیته با تأملی در دیدگاه‌های عایشه تیمور و می زیاده. زن در فرهنگ و هنر، ۱۷(۴)، ۴۸۱-۴۹۷. DOI: <http://doi.org/10.22059/JWICA.2025.381102.2068>DOI: <http://doi.org/10.22059/JWICA.2025.381102.2068>

© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

زنان در طول تاریخ به دلیل سلطه فرهنگ مردسالار با ناملایمات گوناگونی مواجه شده‌اند. «زنان به وسیله تاریخ، فرهنگ مردسالارانه و افسانه‌هایی تعریف و محدود شده‌اند که آن‌ها را در جایگاه دوم و پایین‌تر از مردان قرار داده است» (De beauvoir, 1949: 689). تلاش برای رهایی از سلطه مردان در هر فرهنگ و اجتماعی چه به وسیله زنان و چه به وسیله مردان، بخشی از تاریخ هر ملتی است و جامعه عربی از این قاعده مستثنا نیست؛ زنان در فرهنگ و جامعه عربی مبتنی بر نظام مردسالار، شاهد پایمال شدن حقوق انسانی و اجتماعی خود بوده‌اند و پیوسته با عناوینی مانند زن جنس دوم و زن از مرد ضعیف‌تر است و باید در خانه محصور باشد و... دست‌وپنجه نرم کرده‌اند. این وضع نابسامان سبب شد دفاع از حقوق انسانی و جایگاه اجتماعی زنان، دغدغه اصلاح‌گران فرهنگ و ادب قرار گیرد. رفته‌رفته زنانی ظهور کردند که ندای آزادی و رهایی از وضع موجود را سر دادند و جنبش‌هایی در جهان عرب به وقوع پیوست که چالش میان اعتدال و افراط را در پی داشت. زنان هرچه بیشتر به وضع اسفناک خود در جامعه آگاهی یافتند و برای ارتقای جایگاه اجتماعی و استیفای حق خود بیشتر پا به عرصه فرهنگ و ادب گذاشتند.

با گذشت زمان و در پی شکل‌گیری حرکت‌های آزادی‌خواهانه در پاره‌ای از کشورهای عربی به‌ویژه با انحلال رسمی خلافت عثمانی به‌دست «مصطفی کمال» در سال ۱۹۲۴، زمینه گسترش دیدگاه‌های اصلاح‌طلبانه با دو رویکرد اسلامی و غربی برای دانش‌آموختگان عرب در مدارس دینی و مراکز آموزشی وابسته به کشورهای غربی فراهم آمد. آنان کوشیدند تا در راستای دستیابی به استقلال سیاسی و رد استبداد و سلطه بیگانگان، نگرش‌های سنتی و بازدارنده را از جمله برداشتها و تلقی‌های غلط نسبت به زنان که با آموزه‌ای از آموزه‌های دینی بر اذهان سایه افکنده بود، اصلاح کنند و الگوهایی نو و متفاوت، براساس تعالیم قرآنی یا تجربه‌های جدید به حاکمان عرب ارائه دهند (Shrabi, 1990: 101). در پی این تحولات، دفاع از حقوق زنان، تقریباً یک مطالبه عمومی شد: «جایگاه زنان در جامعه از معیارهای سنجش رشد فکری و فرهنگی آن جامعه محسوب می‌شود. با توجه به ناامنی‌های حاکم بر جامعه عراق، زنان در محیط خانه زندانی می‌شدند و تنها در روز و مشروط به همراهی با شخص دیگری اجازه خروج از منزل را داشتند. آنان حق تکلم با هیچ مردی به‌جز محارم را نداشتند. گاهی مردان چنان متعصبانه برخورد می‌کردند که تحت هیچ شرایطی به زنانشان اجازه خروج از منزل را نمی‌دادند و این را از مفاخر خود به‌شمار می‌آوردند و حتی از بردن نام مادر، همسر و یا خواهرشان نزد مرد غریبه ابا می‌کردند» (Ezz El-Din, 1960: 211).

۲. پیشینه پژوهش

نصیری (۱۳۷۹) در برگردانی تحت عنوان «می زیاده وجدان زنانه ادبیات عرب» که مطالبی را از الکزبری، نقولا زیاده و آنتی ریگلو راجع به می زیاده ترجمه کرد، به معرفی ویژگی‌های سالن ادبی می زیاده و مهمانان آن که از طیف‌های مختلف فکری و ادبی بودند، پرداخت.

پوراحمدی و یاری (۱۳۸۸) در مقاله «جنبش زنان مصر و حق مشارکت سیاسی» اقدامات زنان مصری در جهت احقاق حقوق خود را از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۰ بررسی کردند.

رضایی، امیری و علی‌اکبری (۱۳۸۹) در پژوهش «زن از دیدگاه می زیاده» نشان دادند می زیاده به مسائل مختلف اجتماعی با عینک یک مصلح اجتماعی نگاه می‌کرد و ویژگی‌های جنسیتی در زنان را مدنظر داشته و پا از آن فراتر نگذاشته است و به وادی احساسات وارد نشده است.

نذر فاطمه (۲۰۱۱) در مقاله «دراسة تحليلية في مضامين الفكر التربوي النسوي لدى مي زیاده» به بررسی ویژگی‌های فکری و تربیتی دیدگاه‌های اصلاحی می زیاده در تمام امور زنان پرداخت.

یاری (۱۳۹۱) در مقاله «شناخت زندگی سیاسی و فکری دریه شفیق، فعال جنبش زنان در مصر» این نویسنده و فعال اجتماعی را معرفی کرد و افکار، دیدگاه‌ها و تلاش‌های او را برای موفقیت جنبش زنان در مصر مورد مطالعه قرار داد.

مظفری (۱۳۹۵) در مطالعه «القيم الأخلاقية في شعر عائشة تيمور» ویژگی‌های اخلاقی را در شعر عایشه بررسی کرد و توضیح داد زمانی که جامعه عربی در خواب غفلت از وضعیت نامطلوب زنان به سر می‌برد، عایشه مباحثی همچون برابری، حجاب و پاک‌دامنی و حضور زنان در اجتماع را مطرح کرد.

منی علی علام (۲۰۲۰) در «عائشة التيمورية و محاولة رائده لقراءة النص الديني من منظور نسوي» استدلال کرد عایشه تیمور به عنوان پیشگام در جنبش‌های زنانه، با کمک متون دینی بخصوص آیات قرآن مسئله برابری و سرپرستی زن را مطرح کرده است.

علاوه بر این، در کتاب‌های عائشة تيمور شاعر الطليعة اثر می زیاده (۱۹۸۳)، اعلام النساء از عمر رضا کحاله (۱۹۸۴)، اتجاهات الأدب العربي في السنين المائة الأخيرة اثر محمود تیمور، عائشة تيمور تحديات الثابت و المتغير في القرن التاسع عشر اثر هدی الصده (۲۰۰۴) به صورت پراکنده به زندگی علمی و مضامین اشعار وی پرداخته شده است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با روشی توصیفی-تحلیلی مبتنی بر جریان‌شناسی سنت و مدرنیته در جهان عرب، این موضوع را بررسی می‌کند و در پی آن است که دیدگاه‌های فمینیستی عایشه تیمور و می زیاده، به‌منزله نمایندگان این جنبش و نقطه اشتراک دیدگاه این دو را که نوعی اعتدال‌گرایی و جمع میان سنت و مدرنیته است، تبیین کند.

۴. طرح موضوع پژوهش

به‌طور کلی دو جریان متفاوت درمورد مسائل زنان در جامعه عربی به‌وجود آمد که در پایان جریان سومی از درون آن متولد شد:

الف) جریان افراطی سنت‌گرا؛ این جریان دنباله‌رو عصر انحطاط بود که اکثریت جامعه از آن پیروی می‌کرد و دیدگاهی تبعیض‌آمیز نسبت به زن داشت. آن‌ها در تلاش بودند تا با استناد به تعالیم دینی، زنان را در خانه محبوس و از حضور در جامعه محروم کنند. این گروه با آموزش زنان به سبک جدید مخالف بودند و در برابر تأسیس مدارس دخترانه و دانشگاه‌ها مقاومت می‌کردند.

ب) جریان افراطی نوگرا؛ این جریان که بیشتر آثارشان رنگ و بوی غربی داشت، در مقابل سنت‌ها ایستاد و مسائل دینی و از جمله حجاب را عامل اصلی عقب‌ماندگی زنان عرب قلمداد کرد. آنان تقلید محض از فرهنگ غربی را راهگشا می‌دانستند. اما از درون مباحث مطرح‌شده در این دو جریان، گرایش سومی متولد شد که عایشه تیمور^۱ و می زیاده^۲ از نمایندگان برجسته آن به‌شمار می‌روند. این دو با بینشی متفاوت، اما در عمل با تلاشی یکسان و یکسو کوشیدند میان سنت و مدرنیته نسخه‌ای جدید ارائه دهند تا در پرتو آن و در چارچوب تعالیم دینی و سنت‌ها، زنان از حضور در جامعه و کسب علم و دانش در زمینه‌های مختلف بهره‌مند شوند.

۵. جنبش زنان در جهان عرب؛ از افراط سنت و مدرنیته تا عقلانیت معتدل

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، تمام دیدگاه‌ها به مسائل زنان در جهان عرب را می‌توان در دو جریان عمده خلاصه کرد:

۱. عایشه عصمت تیمور (۱۹۰۲) فرزند اسماعیل پاشا تیمور در قاهره به دنیا آمد. او یک فعال اجتماعی، شاعر، مقاله‌نویس و مدافع سنتی حقوق زنان بود.

۲. می زیاده (۱۹۴۱) در ناصره از پدری لبنانی و مادری سوری‌تبار متولد شد. او شاعر و نویسنده و از زنان نوگرای برجسته در دنیای عرب به‌شمار می‌رود.

۵-۱. جریان افراط‌گرایی سنتی

زنان کشورهای عربی در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی از نظر حقوق اجتماعی جایگاه مناسبی نداشتند. دیدگاه سنتی که بر مسائل زنان حاکم بود، ادامه‌دهندهٔ اوضاع آشفتهٔ آنان در عصر انحطاط و قبل آن بود. نظام اجتماعی در این دوران مردسالاری بود و زنان معمولاً جنس ضعیف‌تر و درجهٔ دوم تلقی می‌شدند. این نگاه افراطی که معمولاً با تفاسیر نادرست از شریعت و سنت همراه بود، سبب شد آن‌ها در عرصهٔ اجتماع هیچ نقشی نداشته باشند. «تاریخ معاصر کشورهای عربی نشان می‌دهد که زنان به‌ویژه در طبقات میانی و پایین جامعه، براساس نظام قبیله‌ای و طایفه‌های، از کمترین حقوق اجتماعی برخوردار بوده‌اند و مقدرات آنان به‌طور کامل در اختیار نظام مردسالاری قرار داشته است. در این راستا می‌توان به محروم بودن از اشتغال در بیرون از خانه، عدم استقلال مالی، نداشتن اختیار در گزینش همسر، ممنوع بودن حضور در اجتماع و نبودن شرایط آموزش برای آنان اشاره کرد. همان‌گونه که پیداست، پایهٔ تمام این نابرابری‌ها وجود تبعیض جنسیتی است. حال آنکه هریک از این دو جنس در زمینه‌هایی ویژگی‌هایی دارد و در سایر زمینه‌ها با جنس دیگر دارای صفات مشترک هست» (Dadkhah & Faqih, 2008: 41). علت اصلی این نوع نگاه ظالمانه را می‌توان برداشت‌های نادرست از تعالیم دینی دانست.^۱

در چنین اوضاع و احوالی گرچه صداهایی در گوشه و کنار جامعهٔ عربی به گوش می‌رسید که خواستار اصلاح وضع موجود بود، در برابر ساختار غالب راه به جایی نبرد. نازک‌الملائکه در شعر خویش از جلاد نام می‌برد. جلاد در شعر وی نماد تمام مردانی است که در عین تعصب شدید به قوانین اجتماعی مرتبط با زنان و آسوده‌خاطر از اینکه در جامعهٔ سنتی همواره حق با آنان است، چون به خلوت می‌روند، آن کار دیگر می‌کنند (Rakhshandeniya, 2013: 51). سعداوی در کتاب *زن/از نظرگاه دین و اخلاق* علت تاریکی تاریخ زنانه را در کژفهمی سنت مردسالاری اعلام کرد. نظامی که به تعیین حقوق و هویت زن می‌پردازد و آن را هژمونیک می‌کند تا قدسی جلوه کند و امکان بازاندیشی در آن وجود نداشته باشد. او چالش اصلی اسلام و فمینیسم را تفسیر نادرست از مفهوم برابری می‌داند (Saadawi, 2008: 86). ابوزید می‌گوید: «تنزل جایگاه زنان در جوامع اسلامی به سبب تحجر جوامع اسلامی است و علت اللل آن نه ناکارآمدی شریعت اسلامی، بلکه استبداد و دیکتاتوری ای است که در این جوامع وجود دارد. تحقیر زنان روی دیگر سکهٔ تحقیر انسان است.

۱. با نگاهی هم‌زمان به جامعهٔ ایران می‌توان به این نکته پی برد که اوضاع اجتماعی آن شبیه جوامع عربی بوده است؛ به‌عنوان نمونه طوبی رشیدی در سال ۱۳۲۱ در قسمت مجزای خانهٔ خود، مدرسه‌ای برای آموزش دختران دایر کرد، ولی در روز چهارم تأسیس، فراشان دولتی با فحاشی به او تابلوی مدرسه را برداشتند (Rshideyeh, 1983: 168).

انسان فقط در جامعه‌ای تحقیر می‌شود که زمامداران آن ادعای حقوق ماوراءطبیعی دارند» (Abu Zaid, 2018: 62). به‌رحال «با توجه به گسترش فقر و بی‌سوادی در طبقات میانی و پایین جامعه در کشورهای عربی در آستانه قرن بیستم، قانع کردن افرادی که بیرون آمدن زنان از خانه و علم‌آموزی ایشان را در تضاد با آموزه‌های سنتی می‌دانستند، کاری بس دشوار بود» (Al-Shiyal, no date: 51).

۵-۲. جریان افراط‌گرایی نواندیش

گروهی دیگر از زنان بودند که می‌خواستند راه هزارساله را در یک شب طی کنند؛ بنابراین در طرح دیدگاه‌های خود دچار افراط شدند. آن‌ها برای جبران عقب‌ماندگی وضع موجود آن‌چنان تند می‌رفتند که گاهی زن را در تقابل با مرد قرار می‌دادند و علیه مردان اعلان جنگ می‌کردند. این دیدگاه‌ها عمیقاً مخالف کلیه ارزش‌ها و سنت‌هایی بود که از دیرباز مورد احترام بوده‌اند و در پی تغییر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی و حتی طبیعت انسانی بودند. فمینیست‌های رادیکال ستم بر زنان را اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین نوع ستم می‌دانستند و معتقد بودند منافع مردان و زنان اساساً و به‌طور اجتناب‌ناپذیری با هم تفاوت دارند. آن‌ها عقیده داشتند پدرسالاری و سرکوب زنان مهم‌ترین شکل تاریخی تقسیم اجتماعی و سرکوب است و راه‌حل این مشکل جدایی کامل زنان از مردان است (Ahmadi Nik & Pirouz, 2023: 495).

هدی شعراوی در سال ۱۹۲۳ به اجلاس حق رأی زنان در روم رفت. او در سخنرانی‌اش جایگاه زنان و مردان در مصر باستان و همچنین در اسلام را برابر دانست و دلیل تبعیض علیه زنان در مصر معاصر را اشغال این کشور به دست کشورهای بیگانه بیان کرد. او حجاب خود را در بازگشت از اجلاس به نشانه حمایت از جنبش فمینیستی با اهداف گسترده‌تر برداشت و به دریای مدیترانه انداخت. درواقع این عمل او نمادین محسوب می‌شد؛ چنان‌که خود او گفت حجاب مظهر «موانع بزرگ بر سر راه زنان برای مشارکت در زندگی اجتماعی» است (Moghadam, 2007, Vol. 1: 108-109).

نظیره زین‌الدین از کشف حجاب زن دفاع کرده و نظری مشابه با شعراوی دارد. او معتقد است حجاب، نیمی از جمعیت امت را ناتوان کرده است. وی کشف حجاب را به پیشرفت و تمدن ربط می‌دهد و می‌گوید: «ملت‌هایی که حجاب را کنار نهاده‌اند، در امور فکری و مادی پیشرفت کرده‌اند، اما ملل پایبند به حجاب، چنین پیشرفتی نداشته‌اند» (Jadaan, 1988: 126). نوال سعداوی از مشهورترین نویسندگان مصری زن در جهان عرب است. او نه تنها تفاوت‌های زن و مرد در قوای

عقلانی و احساس را یکسان نمی‌داند، بلکه آن را ساختهٔ اجتماع می‌داند. احساس فمینیستی او به اندازه‌ای شدید است که زن را جنس برتر به‌شمار می‌آورد (Saadawi, 1980: 45-60).

۶. رویکرد اعتدالی؛ جمع میان سنت و مدرنیته

عایشه تیمور و می زیاده، با نگاهی متفاوت در پی تغییر برآمدند. آنان فریاد رهایی زن را از آن وضع اسفناک را سر دادند و در تلاش بودند در چارچوب دین و سنت، زنان در حضور در اجتماع و کسب علم و دانش در زمینه‌های مختلف آزاد باشند. اولین موضوعی که در دیدگاه‌های هردو ادیب به چشم می‌خورد، اعتدال و عقلانیت است. هم عایشه و هم می زیاده، هیچ‌گاه در عرصهٔ روشنگری و بیداری زنان عصر خویش، جانب اعتدال را رها نکردند. این در حالی است که خاستگاه فکری این دو با هم متفاوت بود. عایشه در یک خانوادهٔ صاحب قدرت، وابسته به حکومت و پایبند به آداب‌ورسوم و میراث سنتی عرب پرورش یافته بود. در مقابل، می زیاده یک مسیحی دلباختهٔ فرهنگ اروپایی و طرفدار مدرنیته بود که در کشورهای عربی، با عنوان «روح سرگردان» از او یاد می‌کردند. اما این اختلاف در دیدگاه‌ها - چالش بین سنت‌گرایی و نوگرایی - آنگاه که بحث از مسائل زنان در جامعهٔ عربی پیش می‌آمد، رنگ می‌بخت و تبدیل به یک صدا می‌شد که حقوق پایمال‌شدهٔ زنان را فریاد می‌زد. رشد و بالندگی این دو ادیب در هنر شعر و ادب، آموختن چند زبان و انتشار دیوان‌های شعری و شرکت مستمر و باوقار آن‌ها در آن فضای بسته، در مجامع شعری و ادبی، از جمله نشست‌های ماهانهٔ شاعران و ادیبان در محفل شعری می زیاده که سال‌ها استمرار داشت، ارائهٔ یک الگوی عملی از حضور نقش‌آفرین زنان در آن برههٔ زمانی در جهان عرب بود و در کنار دفاع از حقوق زنان در مقابل جریان سنت‌گرایی افراطی، تشویق زنان به حفظ و صیانت از ارزش‌های انسانی توسط خود آن‌ها، وجه مشترک دیدگاه‌های عایشه تیمور و می زیاده است که برخی نمودهای آن در مؤلفه‌های زیر ظهور و بروز یافته است.

۶-۱. زن به‌منزلهٔ محور خانواده

در جامعهٔ انسانی مادر همواره از منزلت والایی برخوردار بوده است. مادر معمار خانواده است. دوام و بقای بنیان خانواده به وجود مادر پیوند خورده است. به گفتهٔ توفیق زیدان «خوشی و لذت خانه در دست زن است. هرچند مرد خطاکار باشد و مرتکب اشتباه شود، اگر زن رشید و مخلص و مصلحت‌بین و عاقبت‌اندیش باشد، خانواده را شاد و آرام می‌سازد. اما اگر غیر از این باشد، بدبختی در منزل حتمی است؛ هرچند مرد عاقل و عالم و فردی برجسته باشد. همان‌طور که زن از قدیم نگهبان

آتش‌های مقدس بوده، الان نیز نگهبان آتش زندگی است و در خانواده پرتوافکنی می‌کند. به این ترتیب کار او فقط ارشاد و اداره نیست، بلکه با تمامی وجود و با همه آگاهی و مهربانی‌اش نگهبان آتش زندگی بوده و مراقب آن است» (Tawfiq Zaidan, 1996: 249).

هم عایشه و هم زیاده به خوبی به نقش زنان در خانواده توجه داشته‌اند. عایشه در مقاله «مرآة التأمل فی الأمور» عامل بدبختی مرد را ثروت قلمداد می‌کند، آن وقت که از آن در راه معقول و منطقی استفاده نکند. او زن را هم در پرداختن بیش از اندازه به تجملات، آرایش و زیورآلات سرزنش می‌کند و آن را منشأ تباهی می‌داند. او از چنین رفتاری در شگفت است و آن را عامل بدبختی زن می‌داند (Ziadeh, 1983: 166). می‌زیاده نقش زن را در سه محور می‌داند: اول تدبیر امور منزل، دوم تأثیر در اداره اقتصاد خانواده، و سوم تأثیرگذاری عاطفی (Rezaei, Amiri, & Ali Akbari, 2010: 11).

از دیدگاه او، ویژگی‌های زنانه یک موهبت الهی است. «زنانگی شریف‌ترین و بزرگ‌ترین نعمتی است که به طبیعت زن بخشیده شده است. اگر بخواهد از آن فاصله گیرد و از دایره و حدود خویش خارج شود، همه چیز زیان می‌بیند و در خسران می‌افتد. حیاتش مضطرب می‌شود و از هدفی که به خاطر آن خلق شده دور می‌شود. وی می‌گوید ما نیاز شدیدی به زنانی داریم که در آن‌ها نبوغ مردان آشکار شود بدون اینکه صفات زیبای زنانگی خود را از قبیل لطف، عاطفه، شیرینی خلق، رقت و استقامت و اخلاص را از دست بدهند» (Fakhouri, 1986: 261). او به یک روش تربیتی دعوت می‌کرد که زنان را برای زندگی زناشویی، مادرشدن و تربیت فرزندان مهیا می‌سازد. او زندگی زناشویی را مقدس می‌شمارد و مهم‌ترین عامل رسیدن به خوشبختی، رفاه و آسایش را تفاهم میان زوجین قلمداد می‌کند (Fatima: 2011: 94 & 107). وی زنان را از بی‌توجهی و بی‌مبالاتی به امور فرزندان بر حذر می‌دارد و مادر را به رسول مهربانی تشبیه می‌کند. او به سرزنش مادران سهل‌انگار و بی‌مبالات می‌پردازد و می‌گوید: «از گردش‌ها و تفریحات و میهمانی‌های طولانی برگرد و از سخنان سبک دوری کن و برای فرزندت مهربان باش و او را با عفو و بخشش و مهربانی حمایت کن» (Wadi, 1956: 81). وی وقت گذاشتن برای کودکان را ضرورت تلقی می‌کند و یکی از آسیب‌های جامعه را بی‌توجهی به خواسته‌های آن‌ها می‌داند و می‌گوید: «مادران انگلیسی و آمریکایی بسیاری را می‌بینم که با کودکانشان در مغازه‌های لباس‌فروشی و لوازم مدرسه یا اسباب‌بازی‌فروشی همراه می‌شوند و وقت خود را با آن‌ها می‌گذرانند و در انتخاب، آن‌ها را آزاد می‌گذارند. چقدر تفاوت است بین چنین مادر رشیدی با یک مادر خشن، بی‌ادب، بی‌فرهنگ و گستاخ در جامعه شرقی که بر بازوی فرزندش به شدت می‌زند و با صدایی نابهنجار و زشت به او می‌گوید: راه برو پدرسگ. فرزند با این

اعتقاد بزرگ می‌شود که پدر او سگ است، پس مادرش نیز سگ است. چنین مادری چگونه می‌تواند روح و روان حساس و لطیف طفل را لمس کند. بسیاری از اوقات پدران و مادران فراموش می‌کنند که احترام، احترام می‌آورد و عشق، عشق را می‌طلبد» (Ziadeh, 1983: 70).

۶-۲. نقش آفرینی زن در جامعه

نگاه سنتی جامعه عربی، اجازه حضور زن در صحنه اجتماع را نمی‌داد و او را مانند زینتی در گوشه منزل نگه می‌داشت. درواقع نگاه به زن بیشتر از زاویه تولید نسل بود. چنین دیدگاهی حضور زن در جامعه را مایه سرافکندگی و شرمساری می‌دانست. بحث آزادی و حضور زن در اجتماع، از موضوعات چالش‌برانگیز آن زمان شد که هم عایشه و هم می‌زیاده به آن پرداختند. این دیدگاه با موجی از مخالفت و کارشکنی از سوی جامعه سنتی مواجه شد. البته این دو، آن‌وقت که به موضوع حضور زن در اجتماع می‌پرداختند، حدود آن را نیز تعیین می‌کردند و با آزادی بی‌قیدوشرط زنان که در نتیجه آن، خانواده به ورطه سقوط دچار شود، به شدت مخالف بودند.

عایشه را باید پیشگام نهضت‌هایی دانست که به آزادی زنان در مصر انجامید. به همین سبب نویسندگان معاصر با او و نسل بعدی، جایگاه وی را بسیار گرامی داشتند. می‌زیاده درباره وی می‌گوید: «او پرچمدار بیداری زنان در این کشورها است» (Ziadeh, 1983: 35-36).

شعر عایشه برگرفته از بینش اسلامی وی است و بیشتر آن به ذکر اخلاق اختصاص دارد که شایسته است زن و مرد به آن آراسته شوند و دیگران را دعوت می‌کند که برای پاکی و پالایش جوانان نسل بعدی به آن متمسک شوند (Mozaffari, 2015: 46). وی دیوان شعر خود را با توصیه به حفظ پاک‌دامنی آغاز کرد: «با دست عفاف و پاک‌دامنی، عزت و حرمت حجابم را حفظ می‌کنم و با عصمت و آبرویم بر همگانم برتری می‌جویم. ادب و تربیت من در سایه اندیشه روشن و قریحه تیزبین، به مرز کمال رسیده است. من نیز مانند زنان عفیف و با اصل و نسب پیش از خود، به سرودن شعر پرداختم» (Taymur, 1886: 3). چنین تحلیل زیبایی از مسئله حجاب و پوشش، نمایانگر تعهد و التزام شاعر به ارزش‌های اسلامی است که خود او به آن افتخار می‌کند (Al-Sadda, 2004: 131).

عایشه مقالاتی در مجله «المؤید» منتشر کرد. بهترین مقاله او که زینب فواز آن را در کتاب *المرآة المنشورة* انتشار داد و اثری ارزشمند و پیشرو در زمان خودش در زمینه تربیت و کسب دانش و آگاهی زنان و دختران به‌شمار می‌رود، مقاله «لا تصلح العائلات إلا بتربية البنات» است. او می‌گوید: من می‌گویم تربیت زن و نمی‌گویم تحصیلات و مدرک؛ چرا که تربیت اصل است و تحصیلات فرع.

برای اصلاح مرد، تربیت زن لازم و واجب است و برای بیداری کل امت‌ها و ملت‌ها وسیله‌ای غیر از تربیت زن نیست؛ چون همیشه در خانه و خانواده و در وطن حضور دارد و جدا از آن نیست (Tawfiq, 1996: 393) و به اعتراف بسیاری، عایشه پیشگام ادبیات زنان در عصر معاصر بود. او همگان را به این راه فرامی‌خواند و می‌کوشید زن عرب را از سنت‌ها و قیدوبندهایی که با دستاویز قراردادن محافظت از عفتش، او را همچون زینتی در گوشه‌خانه اسیر کرده بود، آزاد کند (Sowerki, 2008, Vol. 3: 11). می‌زیاده درباره‌ی نوشته‌ای از عایشه در دفاع از زنان می‌گوید: «اثری گران‌بها است؛ چرا که به موضوعی مهم اشاره دارد و در این زمینه پیشگام است. بهترین نتایجی که امروز ما به آن دست پیدا می‌کنیم، دقیق‌تر از آن نتایجی نیست که عایشه تیمور ۳۷ سال پیش به آن پرداخته است» (Ziadeh, 1989: 166).

می‌زیاده نیز با تشکیل سالن ادبی خود، راه عایشه را ابعادی تازه بخشید و پرچم‌دار حضور بیشتر زنان در جامعه شد. او با این کار حضور زنان در اجتماع را به یک سنت تبدیل کرد و همین‌که یک زن مدیریت یک محفل ادبی را برعهده می‌گرفت و از تمام طیف‌های فکری جامعه دعوت می‌کرد و با آن‌ها به بحث و تبادل نظر می‌پرداخت، در آن زمان امری بی‌سابقه و یک بدعت بود. به قول سلامه موسی، طبق سنت‌های شرقی، همین‌که او سالنی را اداره می‌کند نمی‌توان به‌عنوان یک همسر به وی نگریست (Nassiri, 2000: 37). این سالن با آزادی فکری و اجتماعی که برای هریک از مهمانان و نیز میزبانان فراهم آورده بود، منشأ خلق و انتشار آثار ادبی شد. در این سالن ادبا با یکدیگر گفتگو می‌کردند و به نقد نظرات همدیگر می‌پرداختند. سنت‌شکنی می‌زیاده در تشکیل چنین سالنی به مدت نزدیک بیست سال، روحی تازه در جنبش اعتدالی زنان دمید. طه حسین در توصیف سالن می‌آن را برخلاف سالن پرنسس نازلی فاضل که آن را اشرافی می‌داند، این سالن را دموکراتیک می‌خواند؛ منظورش تنوع و قدرت ادغام و گنجایش منحصر به فردی است که این سالن از آن برخوردار است (Nassiri, 2000: 36).

می‌زیاده خواهان افزایش تعداد مدارس برای دختران شد. به باور او، آموزش زن مهم‌تر از آموزش مرد است: «اگر در جامعه‌ای فقط یک مدرسه وجود داشته باشد، باید مختص دختران باشد نه پسران؛ زیرا آنچه زن فرامی‌گیرد، به‌طور خودکار مرد نیز آن را از کودکی یاد می‌گیرد. مهم‌تر از همه آن، اندیشه‌هایی است که کودک با آن متولد می‌شود و رشد می‌یابد و آن مختص مادر است». در دیدگاه او اگر مادران فرهیخته یک نسل را تربیت کنند، گویی که نصفی از مشکلات اجتماع حل شده است و پاک‌سازی اخلاقی در جامعه برای همه میسر می‌شود؛ بنابراین مرد باید هر چه سریع‌تر به اصلاح امور زن بپردازد و آن جز به‌وسیله‌ی تعلیم و آگاهی‌دادن به زن میسر نیست. در غیر این

صورت پیوسته به جای آنکه دو بال او باشد که با آن پرواز کند، پرتگاهی است که مرد را به نابودی می کشاند» (Ziadeh, 1919: 57).

به مرور زمان که تنگ نظری نسبت به زن رو به افول می نهاد، دیدگاه‌ها راجع به آموزش زنان رواج بیشتری یافت. در پی آن، می زیاده مرحله جدیدی از زندگی زنان را مطرح می کرد و آن بحث کار زنان در جامعه و بیرون از خانه بود. البته منظور او این نبود که زن وظیفه اصلی خویش را که همان امور منزل است ترک کند و به کار در خارج از منزل بپردازد، بلکه او مادری و تربیت فرزندان را مأموریت مقدس زنان قلمداد می کرد که زنان نباید از آن غافل شوند (Ziadeh, 1989: 99). او در کنار دفاع از جایگاه زنان در جامعه، زبان به انتقاد از برخی هم رفتارها می گشاید و خطاب به زنان می گوید: «هرچند که قلبی عفیف و پاکیزه دارید، اما وقتی در خیابان‌ها با این آرایش‌ها و تزئینات جدید گام برمی دارید، چگونه می خواهید که مردم نسبت به شما حسن ظن داشته باشند...؟ زن باید گلی باشد که خارها او را احاطه کنند و آن خارها چیزی جز عفت و طهارت و حجاب او نیست» (Ziadeh, 1989: 124).

۶-۳. لزوم به رسمیت شناختن حقوق برابر زن و مرد

جنسیت از عواملی است که در شکل گیری هویت انسان، نقش اساسی دارد و بحث از هویت زنانه نیز با جامعه شناسی جنسیت دارای ارتباط مستقیم است. این رشته از جامعه شناسی که موضوع نسبتاً جدیدی در خانواده بزرگ علوم اجتماعی است، به زن نه به عنوان جنسی که از نظر بیولوژی با مرد متفاوت است، بلکه به عنوان فردی با نقش‌های متفاوت در مناسبات اجتماعی نگاه می کند (Farara, Mitra, & Nazari 2024). نگاه به زن در جامعه عربی، پیوسته تبعیض آمیز و ظالمانه بوده است. به گفته توفیق زیدان «قرن‌ها سپری شده است و جمعیت زنان مانند شن خیزی است بر ساحل، که مرد بر روی آن راه می رود و زیر قدم هایش او را له می کند و اثر قدم هایش را بر آن بر جای می گذارد» (Tawfiq Zaidan, 1996: 314). عایشه در مقاله «مرآه التأمل فی الأمور» در تلاش است تا از منظر دین و به کمک آیاتی از قرآن کریم، موضوع برابری زن و مرد را بررسی کند. وی معتقد است سرپرستی خانواده ابتدا بر عهده مرد است، اما آن وقت که مرد شایستگی لازم را برای این کار نداشته باشد، این مسئولیت از او ساقط می شود و زن می تواند سرپرست خانواده باشد. چنین دیدگاهی در آن زمان با مخالفت فراوان از طرف جامعه سنتی مواجه شد و بسیاری از نویسندگان به مخالفت با آن پرداختند. او با جرئتی مثال زدنی از دیدگاه متون دینی به آن پرداخت.

او معتقد است خداوند راه درست و منطقی را در قرآن به زن و مرد نشان داده و ما را به خواندن آن دستور داده است و در آن به روشنی وظایف مرد در برابر زن و وظایف زن در قبال مرد را بیان می‌کند. «الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من أموالهم» (نساء: ۳۴)، سرپرستی مرد (قوامیت) در نظر عایشه یعنی اینکه مرد باید به امور زن رسیدگی کند و از او محافظت و آنچه به آن نیاز داشت را برآورده کند. سپس خداوند به این نکته بسنده نکرده و در ادامه با بیان جمله «بما فضل الله بعضهم على بعض» علت آن را بیان کرده است. این ویژگی‌هایی که مرد را برتری داده، قدرت تعقل و دینداری اوست؛ بنابراین ولایت و امامت را به آن‌ها اختصاص داد و آن‌ها را به عنوان شاهد در امور مردم برگزید و با جمله «بما أنفقوا من أموالهم» آنچه مردان انفاق می‌کنند از مهریه و خوردن و نوشیدن و مسکن و لباس و پوشش برحسب حال و شرایط را بیان کرد. از دیدگاه عایشه، سرپرستی خانواده توسط مرد برای همیشه و مطلق نیست، بلکه مشروط به توانایی او در انجام امور خانواده است؛ بنابراین، این ویژگی منحصر در مردان نیست و ممکن است از مردان به زنان به منتقل شود (Allam, 2020: 68).

دیدگاه‌های می‌زیاده به عنوان یک مسیحی درباره زنان نیز با ویژگی اعتدال و میانه‌روی و دوری از مسائل هنجارشکن و بحث‌برانگیز دینی همراه بوده است. وی آن وقت که مسئله آزادی و برابری زن و مرد را مطرح می‌کند، هم‌زمان پایبند به ارزش‌ها و اصول دینی و اخلاقی زن نیز هست (Al-Kuzbari, 1987: 59). او معتقد است زن دارای حقوق یکسان با مرد است و از عناصر مهم برای رشد و پیشرفت جامعه محسوب می‌شود. درواقع پیشرفت بدون وجود زنان امکان‌پذیر نیست. او برای اثبات این مفهوم، جامعه را به پرندۀ‌ای تشبیه می‌کند که زن یکی از بال‌های آن است و مرد بال دیگر آن (Algebra, no date: 93). وی معتقد بود سلامتی زن درگرو سلامتی عقل و قلب او است و سلامتی مرد درگرو سلامتی زن است. به همین دلیل می‌خواستار حمایت زن از مرد و تأیید او است. هردو در حقوق مدنی مساوی و برابرند و همچنان در انجام مسئولیت‌ها برابری دارند (Ziadeh, 1975: 186). از دیدگاه او، دختر و پسر از لحاظ استعداد و بهره‌های هوشی با هم برابرند و باید از امکانات برابر در کسب علم و دانش برخوردار باشند تا استعدادهای آن‌ها شکوفا شود (Fatima, 2011: 101). او درباره ازدواج معتقد است زنان باید مانند مردان در انتخاب همسر آزاد باشند (Al-Wadi, 1956: 82). طه حسین درباره می‌زیاده می‌گوید: «همانا ادبیات عرب از وجود می‌بهره فراوان برد» (Khawasak, 1999: 143).

۷. نتیجه‌گیری

از آنچه بیان شد، استنباط می‌شود که جنبش فمینیستی در جهان عرب با چالش میان سنت و مدرنیته آغاز شد. سنت‌گرایان با هرگونه دگرگونی در زندگی اجتماعی-فرهنگی زنان به مخالفت شدید برخاستند و در مقابل آن‌ها، نوگرایان تنها راه نجات و ترقی زنان را در نفی سنت‌ها و پیروی بی‌قیدوشرط از فرهنگ و تمدن غرب می‌دانستند. در این میان، رویکرد اعتدال‌گرایی پدید آمد که کوشید میان سنت و مدرنیته، نسخه‌ای معقول و متناسب با جامعه سنتی عرب ارائه دهد. دو شاعر و نویسنده برجسته، عایشه تیمور مسلمان سنت‌گرای مصری و می‌زیاده نویسنده و شاعر مسیحی نوگرای سوری، از سردمداران این رویکرد بودند. این دو هرچند یکی از آن‌ها در سنت ریشه داشت و دیگری از آبخور دنیای مدرن سیراب شده بود، اما به واقعیت‌های جهان عرب و مشکلات و نیازهای زنان کاملاً آگاه بودند و به این تحول اجتماعی-فرهنگی پرچالش، با عینک یک مصلح اجتماعی می‌نگریستند. نوشته‌های این دو تیزبینانه و از ذوقی سرشار برخوردار است که در آن، راه خروج از بن‌بست رفتارهای ناهنجار با زنان را در چارچوب دنیای جدید و با رعایت سنت‌ها و عادات شرقی ممکن می‌ساخت. هردو مدافع حقوق زنان و خواستار آزادی آن‌ها بودند. واقع‌بینی، نیک‌اندیشی و مصلحت‌شناسی محور اندیشه این دو بود. آن‌ها بالندگی و رشد دختران و زنان را در سایه دوری از افراط و تفریط، کسب علم و دانش، پاک‌دامنی و ایفای نقش اجتماعی-فرهنگی سازنده جستجو می‌کردند.

۸. تعارض منافع

در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Abu Zaid, N. J. (2018). *Circles of Fear: Women in Religious Discourse*. Translated by: A. Amini. Tehran: Negah Moasser. (In Arabic)
- Ahmadi Nik, N., & Pirouz, Gh. R. (2023). A criticism within a story on radical feminism: Mahsa Mohib Ali's critical approach on radical feminism in the form of the novel *Curse of Gray*. *Women in Culture and Art*, 15(4), 491-511. <https://doi.org/10.22059/jwica.2023.356001.1896> (In Persian)
- Al-Fakhouri, H. (1986). *The Comprehensive History of Arabic Literature*. Beirut: Dar Al-Jeel. (In Arabic).

- Al-Kuzbari, S. (1987). *May Ziadeh or the Tragedy of Genius*. Beirut: Noufel Foundation. (In Arabic).
- Allam, M. A. (2020). *Aisha Al-Taymouriya and a Pioneering Attempt to Read the Religious Text from a Feminist Perspective*. Al-Safir Al-Arabi, Issue 404, From the Heritage of the Women of the Pen. <https://assafirarabi.com/ar/32025/2020/07/02/> (In Arabic)
- Al-Saadawi, N. (1980). *The Naked Face of an Arab Woman*. Translated by: M. Forutan & R. Moradi. Tehran: Zovar. (In Arabic)
- Al-Saadawi, N., & Rauf Ezzat, H. (2008). *Woman from the point of view of religion and ethics*. (2nd Ed.). Translated by: Zahid Vaisi. Tehran: International Publishing Company. (In Arabic)
- Al-Sadda, H. (2004). *Aisha Taymour; Challenges of the Constant and the Variable in the Nineteenth Century*. Women and Memory Foundation. Cairo. (In Arabic)
- Al-Shayyal, J. (no date). *The Geniuses of Arab Thought*. Vol. 24, Egypt: Dar Al-Ma'rif. (In Arabic)
- Al-Wadi, H. (1956). *May Ziadeh between ancient and modern Arab literature*. American university master's thesis. Beirut: Farran. (In Arabic)
- Dadkhah, H., & Faqihi, Sh. (2008). The feeling and emotion of Arab poets towards women's rights. *Research Journal of Lyrical Literature*, 7(12), 31-41. <https://sid.ir/paper/356547/fa> (In Persian)
- De beauvoir, S. (2015). *Genus II*. Translated by: Q. Sanavi. Tehran: Tous. (In Persian)
- Ezz El-Din, Y. (1960). *Modern Iraqi Poetry and Political and Social Trends*. Egypt: Dar Al-Maaref. (In Arabic)
- Farara, M., & Nazari, N. (2024). Female identity and life in the novel Secret in the Alleys. *Journal of Women in Culture and Art*, 16(3), 317-334. https://jwica.ut.ac.ir/article_98088.html (In Persian)
- Fatima, N. (2011). An analytical study of the contents of the feminist educational thought of May Ziadeh. *Social Affairs Magazine, Emirates*, 112, 79-112. <https://www.bibalex.org/libraries/presentation/static/zeyada-mai.pdf> (In Arabic)
- Jabra, J. (Beta). *May in her turbulent life*. Beirut: Dar Al-Jadeed Company. (In Arabic)

- Jadaan, F. (1988). *The Foundations of Progress According to Islamic Thinkers in the Modern Arab World*. Amman: Dar Al-Shorouk. (In Arabic)
- Khawasak, A. (1999). *Pioneers of Women's Literature in Egypt*. Egyptian General Book Authority. Cairo. (In Arabic)
- Moghadam, M. A. I. (2007). *The Return of the Veil*. Dar Taybah. (In Arabic)
- Mozaffari, S. (2015). Moral Values in Aisha Taymour's Poetry. *Contemporary Literature Studies*, 8(31), 55-37.
<https://www.noormags.ir/view/fa/magazine/number/94803> (In Persian)
- Nasiri, H. (2000). Female Conscience of Arab Literature. *Women's Rights*, 17, 37-34. <https://ensani.ir/fa/article/field/445> (In Persian)
- Pourahmadi, H., & Yari, Y. (2009). Egyptian Women's Movement and the Right to Political Participation. *Middle East Studies Quarterly*, 16(1), 169-143 <https://ensani.ir/fa/article/230305> (In Persian)
- Rashidiyeh, Sh. (1983). *Autobiography*. Tehran: Tarikh Iran Publication.
https://cmess.sinaweb.net/article_151274_3c074cb33a622a583253f6e1410b4dd9.pdf (In Persian)
- Rezaei, R., Amiri, E., & Ali Akbari, P. (2010). Women from the point of view of May Ziadeh. *Women and Culture Quarterly*, 2(6), 9-24.
<https://www.sid.ir/paper/189769/fa> (In Persian)
- Rokhshandeniya, A. (2013). Comparative analysis of the poems of Nazul Al-Malaika and Forough Farrokhzad from the perspective of social criticism. *Women's Research Journal, Research Institute of Humanities and Cultural Studies*, 5(1), 41-58. <https://ensani.ir/fa/article/journal-number/36708/9> (In Persian)
- Sawirki Al-Kurdi, M. A. (2008). *The Great Encyclopedia*. Famous Kurds Throughout History. Arab House of Encyclopedias. (In Arabic)
- Sharabi, H. (1990). *Arab and Western intellectuals*. Translated by: A. R. Alam. Tehran: Bureau of Political and International Studies. (In Arabic)
- Taymur, A. (no date). *Haliat Al-Taraz (Arabic Diwan)*. Egypt. (In Arabic)
- Towfiq Zeidan, J. (1996). *The Unknown Works of May Ziadeh*. Cultural Society Publications. (In Arabic)
- Yari, Y. (2013). Understanding the political and intellectual life of Dariya Shafiq, an activist of the women's movement in Egypt. *Islamic History Studies*, 4(13), 163-181. <https://ensani.ir/fa/article/352404/> (In Persian)

- Ziadeh, M. (1919). The Women's Movement in Our Country. *Al-Mahrousa Magazine, February Issue*, 1. (In Arabic)
- Ziadeh, M. (1975). *The Desert Researcher*. Beirut: Noufel Foundation. (In Arabic)
- Ziadeh, M. (1983). *Aisha Taymour (Poet of Nature)* (2nd Ed.). Noufal Foundation. Beirut (In Arabic)
- Ziadeh, M. (1989). *The Incidents of a Girl* (3rd Ed.). Beirut: Noufel Foundation. (In Arabic)